

پیشگیری انتظامی از بزهکاری اطفال و نوجوانان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰ / ۳ / ۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰ / ۱۰ / ۱۴

سعید کشفی^۱

علی اصانلو^۲

چکیده:

در مقطع فعلی از جمله وظایف پلیس و دیگر نهادها پیشگیری است و باید این نکته را باور داشت که پیشگیری از درمان بهتر است، زیرا مؤثرتر است و هزینه گزافی نیز بر جامعه تحمیل نمی‌کند. بزهکاری اطفال و نوجوانان ویژگی‌هایی دارد که آن را از بزهکاری بزرگسالان متمایز می‌سازد. از جمله متحول بودن شخصیت، ابعاد روان‌شناسی، اشکال جرایم ارتكابی و نحوه شرکت در ارتكاب جرم. برای پیشگیری از بزهکاری ابتدا باید مسائل و مشکلات اجتماعی را که زمینه‌ساز ارتكاب جرایم هستند، از میان برد و از همان ابتدا از سیاست‌های مناسب استفاده کرد و با نهادهای درگیر نیز همکاری نمود. اصلاح ساختار پلیس، تخصصی شدن، آموزش، مشاوره و حمایت از کودکان، اقدامی مناسب و مفید به نظر می‌رسد. برنامه‌های اساسی جهت پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان شامل مسئولیت‌های مشخص مؤسسات، نهادها، هماهنگی بین آنها، دخیل بودن جامعه، روش‌های کاهش مؤثر فرصت‌های ارتكاب اعمال مجرمانه، نقش خانواده‌ها، آموزش و پرورش، رسانه‌های جمعی و قانونگذاری در جهت دادرسی ویژه نوجوانان است. توجه به محیط و تلاش در راه اصلاح آن که در امر پیشگیری مؤثر است باید از وظایف پلیس به شمار رود و سعی شود با همکاری سایر سازمان‌های دولتی و غیردولتی مؤثرترین نوع پیشگیری به کار رود و با توجه به شرایط موجود، جامعه مدیریت شود تا در وظایف خود موفق گردد. در این نوشتار سعی شده است تا با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از اسناد کتابخانه‌ای و سایر کتب و مقررات ملی و بین‌المللی به تحلیل و بررسی شیوه‌های پیشگیری پلیسی در خصوص بزهکاری کودکان و نوجوانان پرداخته شود.

کلید واژه‌ها:

پیشگیری انتظامی، بزهکاری، اطفال، نوجوانان

۱) عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

۲) مدرس دانشگاه علوم انتظامی

طرح مسئله

پیشگیری از جرم برای نخستین بار به همت انریکو فری با عنوان هم‌ارزهای کیفری یا جانشین‌های کیفری مطرح شد. وی پی برده بود که نظام‌های کیفری منحصرأ نمی‌تواند برای مبارزه با بزهکاری موفق باشد، بلکه در کنار آن باید از مداخله‌های پیش از وقوع جرم، به‌عنوان تدبیر تکمیلی، بهره جست؛ بنابراین از نظر وی پیشگیری از جرم دربرگیرندهٔ تدابیر و اقداماتی است که جنبهٔ قهرآمیز ندارند (نیازپور، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

امروزه در قلمرو حقوق کیفری، طفل، دیگر فردی بزرگ ولی در ابعادی کوچک نیست، بلکه، فرد انسانی مستقل است که شخصیت روان و جسم وی در شرف شکل‌گیری و رشد است، به همین لحاظ در برابر بزهکاری، کژمداری و بزه‌دیدگی آسیب‌پذیر است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰: ۱۰). علاوه بر این، بزهکاری اطفال و نوجوانان در بیشتر موارد فاقد خشونت زیاد و از عامل کینه‌توزی یا خصومت به دور است. بزهکاری آنان در واقع، نتیجهٔ طبیعی یا غیرطبیعی مسیر نیل آنان از مرحلهٔ خردسالی به نوجوانی و از نوجوانی به جوانی است. به لحاظ همین تفاوت‌ها، برخورد با بزهکاری اطفال نخست نیازمند شناسایی عمیق شخصیت طفل و در نظر گرفتن شرایط فردی و اجتماعی وی، و در نهایت انتخاب اقدامات اجتماعی- تربیتی یا پاسخ‌های کیفری خاص است.

چنانچه سیاست جنایی را "شامل مجموعهٔ روش‌هایی بدانیم که هیئت اجتماع، اعم از دولت و جامعهٔ مدنی با توسل به آنها، پاسخ‌های مورد نظر برای پدیدهٔ مجرمانه را سازماندهی می‌کند" (دلماس، ۸۱: ۲۴)، باید گفت این سیاست دربارهٔ بزهکاری اطفال و نوجوانان، از سیاست جنایی مقابله با بزهکاری بزرگسالان متمایز است. ریشهٔ این تفاوت را می‌توان، نخست در فرق اطفال با بزرگسالان، سپس در تفاوت بزهکاری و در نهایت در مختلف بودن پاسخ‌های برگزیده شده جست‌وجو کرد.

بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی نیز با قرار دادن اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان، به عنوان یکی از وظایف قوه قضائیه درصدد توجه به این امر بوده است.

قانون نیروی انتظامی مصوب ۲۷ تیر ۱۳۶۹ به خوبی اهداف، مأموریت و وظایف نیروی انتظامی را مشخص کرده و ماده ۴ این قانون در ۲۶ بند مأموریت و وظایف این نیرو را در چندین محور، به طور دقیق تبیین نموده است. در بند ۸ وظایف ناجا را در قالب ضابط قوه قضائیه بیان داشته و در قسمت «د» بند ۸ به صراحت مقرر داشته است پیشگیری از وقوع جرم در سایر بندها نیز سایر وظایف را تعیین نموده است. اکثر این وظایف مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع پیشگیری ارتباط دارد. مثلاً در بند ۲۰ ماده ۴: عبارت سازماندهی، تجهیز و آموزش یگان‌های انتظامی عنوان شده است. در بند «د» ماده هشت لایحه، یکی از وظایف کمیسیون پیشگیری انتظامی از وقوع جرم تجهیز پلیس قید شده است. این مورد از وظایف اختصاصی نیروی انتظامی است.

هدف و اهمیت تحقیق:

این مقاله در پی شناخت و ارائه و پیشنهاد راهکارهای هایی است که پلیس می‌تواند با مراعات آن به پیشگیری از بزهکاری اطفال کمک شایانی نماید.

پیشینه پژوهشی

ملک زاده و هاشمی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان بررسی ضرورت تشکیل و تکالیف پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان موضوع ضرورت استفاده از پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان در فرایند کیفری، به توانایی‌ها و ویژگی‌های خاص رفتاری در پیشگیری از بزهکاری و مراعات منشور حقوقی این طیف سنی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که حساسیت‌های خاص رفتاری و شخصیتی اطفال و نوجوانان نیازمند برخوردی خاص و متمایز از بزرگسالان است و به منظور اطمینان از مراعات حقوق و منافع کودکان و نوجوانان با هدف کاهش و پیشگیری از بزهکاری آنان و با در نظر گرفتن

طبع حساس کودکان و نوجوانان، تشکیل پلیس زن ویژه این گروه سنی در نیروی انتظامی امری ضروری است.

کشفی و اصانلو (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان مددکاران اجتماعی و پیشگیری از جرایم اطفال و نوجوانان به بررسی مشکلاتی که در فرایند دادرسی پرونده‌های اطفال و نوجوانان کشورمان دیده شده پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که نقش مددکاران و مشاوران در پیشگیری اولیه این است که برخورد آنان با کودکان، متفاوت از ابعاد بزرگسالان است و چه‌بسا مهم‌ترین عامل در پیشگیری از وقوع جرم باشد، در این مقاله نشان داده می‌شود که توجه به جایگاه و نقش مددکاران اجتماعی چه‌بسا تأثیر بسزایی در عدالت ترمیمی داشته باشد که از نکات حائز اهمیت محسوب می‌گردد.

الیاسی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان بایسته‌های دادرسی اطفال با تأکید بر جایگاه پلیس، به بررسی روش‌های سیاست‌گذاری و اجرایی مربوط به دادرسی اطفال و نوجوانان در کشورهای گوناگون پرداخته است. همچنین مراحل گوناگون فرایند دادرسی ویژه نوجوانان را مورد بررسی قرار داده و تأکید کرده که تا حد امکان باید از برخورد نوجوان با نظام قضایی پرهیز شود و از صدور حکم محرومیت از آزادی وی باید اجتناب شود و در نهایت نوجوان با رفتاری متناسب با پیشبرد عزت نفس و ارزش انسانی مواجه شود که به منظور بازگرداندن و نه انزوا یا به حاشیه راندن او، طراحی شده است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی است و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به نقش و وظایف پلیس در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان پرداخته شده است.

اهداف پیشگیری

با مطالعه قانون اساسی کشور و همچنین تطبیق آن با کنوانسیون حقوق کودک که کشور جمهوری اسلامی ایران آن را در سال ۱۳۷۴ به صورت مشروط پذیرفته است، می‌توان با چهار موضوع مواجه شد: ۱- فراهم ساختن نیازهای اولیه کودکان

۲- حمایت^۱ - پیشگیری^۲ - مشارکت^۳. در ارتباط با فراهم نمودن نیازهای اولیهٔ کودکان، حق زندگی، تحصیل و داشتن پدر و مادر را می‌توان نام برد. مورد حمایت، به جلوگیری از بازداشت خودسرانه، شکنجه، استثمار و داشتن پدر و مادر را می‌توان نام برد. دربارهٔ پیشگیری، به پیشگیری از بزهکاری نوجوانان که نه فقط بر عهدهٔ برخی افراد و صاحبان مشاغل و حرف خاص، بلکه بر عهدهٔ کل افراد جامعه است و مسئولیتی همگانی است، اشاره کرد و دربارهٔ موضوع چهارم به مشارکت کودکان و نوجوانان برای ابراز عقاید و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها اشاره نمود.

هدف از پیشگیری، پیش‌بینی محیطی است که در آن کودکان بتوانند رشد یابند و به تکامل کلیهٔ استعدادهای خود، بدون ترس از غفلت، سوءاستفاده، فقر یا تبعیض بپردازند. خط مشی‌ها و تدابیر باید به تشویق و ترویج رشد و تکامل سالم کودکان در قالب برآوردن حقوق حیاتی آنان در اجتماع، تکامل حقوق، حقوق حمایتی و مشارکتی بپردازند.

حقوق حیاتی دربردارندهٔ حق کودک بر زندگی و نیازهایی است که برای زنده ماندن بسیار اساسی است. اینها شامل حداقل زندگی استاندارد، سرپناه، تغذیه و دستیابی به خدمات پزشکی است. حقوق مربوط به رشد، شامل مواردی است که کودکان به منظور دستیابی به حداکثر توانایی و استعداد به آنها نیاز دارند. نمونه‌هایی از این حقوق عبارت‌اند از حق تحصیل، اوقات فراغت، مذهب، آزادی اندیشه و غیره. حقوق حمایتی مقرر می‌دارد که کودکان باید در مقابل کلیهٔ اشکال سوء استفاده، اغفال و استثمار مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرند، که حاوی مواردی از قبیل مراقبت ویژه از کودکان پناهنده، شکنجه، سوء استفاده در نظام دادرسی کیفری، مشارکت در مخاصمات مسلحانه، مصرف مواد مخدر و استثمار جنسی است.

-
- 1- Protection
 - 2- Prevention.
 - 3- Participation

حقوق مشارکتی به کودکان این امکان را می‌دهد که نقش فعالی در جوامع خود برعهده گیرند که شامل آزادی بیان و عقیده در هر زمینه‌ای که بر زندگی آنان تأثیرگذار است و عضویت در انجمن‌ها و گروه‌هایی‌های مسالمت‌آمیز است. هرچه توانایی‌ها و قابلیت‌های کودکان رشد یابد و متکامل شود. آنان فرصت‌های زیادی برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی به منظور کسب آمادگی برای پذیرش مسئولیت در دوران بزرگسالی پیدا می‌کنند (وینتر، ۱۳۸۱: ۲۳۰).

وضعیت بزهکاری کودکان و نوجوانان در ایران

یکی از جرم‌شناسان به‌نام پیناتل^۱ بزهکاری جوانان را، عارضه‌ای قانونی از یک پدیده وسیع‌تر که ناسازگاری نامیده می‌شود، می‌داند. به بیان دیگر بزهکاری نوعی ناسازگاری است که قانوناً جرم تلقی می‌شود و جامعه برای آن مجازات تعیین نموده است.

تحولات تدریجی صنعتی و توسعه شهرنشینی در بزهکاری اطفال در کشور جمهوری اسلامی ایران نقشی بسزا داشته است. بعد از انقلاب اسلامی و به‌ویژه جنگ تحمیلی عراق چنین به نظر می‌رسید که با توجه به حاکمیت ارزش‌های مذهبی و اصولاً جابه‌جایی هنجارها و توجه جوانان به مسائل انقلاب و جنگ تا حد چشم‌گیری از فرایند رو به رشد بزهکاری به‌صورت عام و جرایم جوانان کاسته شده باشد. بعد از اتمام جنگ و دگرگونی در الگوهای رفتاری و زیرپا نهادن برخی ارزش‌ها، میل به تجمل، مصرف، ثروت و مقام، افزایش یافت و به علت ضعیف شدن ضابطه‌ها و اعتبار یافتن رابطه‌سالاری، نوعی بحران هویت و حالت سرخوردگی و نظم‌گریزی و بعضاً دین‌گریزی به نفع ارزش‌های فرهنگی غربی در جوانان پدید آمد و به مرور بزهکاری و ناامنی گسترش یافت قانون‌گریزی توسعه پیدا کرد و متأسفانه جرایم جوانان به حد

1 - Pinatel

خطرناکی خودنمایی نمود؛ به نظر می‌رسد امروزه از حدّ فوق اشباع نیز فراتر رفته باشد (توانا، ۱۳۸۲: ۲۸).

بزهکاری اطفال را به لحاظ خصوصیت‌هایی که اطفال و نوجوانان بزهکار در جنبه‌های شخصیت و ابعاد روان‌شناسی در مقایسه با بزرگسالان دارند، می‌توان تفکیک کرد. همچنین بزهکاری آنان ممکن است از هیجانات زودگذر دوران بلوغ نشأت گرفته باشد، لذا قضاوت کردن دربارهٔ آنان و اتخاذ سیاستی که قضاوت در این خصوص اعمال می‌کنند، حائز اهمیت است (خواجه‌نوری، ۱۳۸۶: ۱۱۴).

دربارهٔ موضوع بزهکاری اطفال نیز از یک سو باید به ناسازگاری، انحراف و بزهکاری روزافزون اطفال و نوجوانان اشاره کرد که دست کم از جمله منابع بروز احساس ناامنی شهروندان محسوب می‌شود و از سوی دیگر باید متن پیش‌نویس قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان را که شورای عالی توسعهٔ قضایی، به منظور تدوین سیاست جنایی در قبال اطفال بزهکار از طریق کمیسیون فنی، آن را تهیه و تنظیم کرده است، توجه کرده که می‌توان در زمینهٔ وضعیت بزهکاری کودکان و نوجوانان مؤثر واقع شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۱۲). حمایت‌های تربیتی و آموزشی و اجتماعی از اطفال منحرف، ناسازگار و بزهکار بسیار مفید است که در بحث بزهکاری اطفال مناسب به نظر می‌رسد که هم اقدامات کیفری و هم اقدامات پیشگیرانه و پرورشی را می‌طلبد و بعضاً در قوانین و مقررات جاری کشورمان جای آن خالی است.

نقش پلیس در پیشگیری از جرم

با توجه به قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹ شمسی که به خوبی اهداف و مأموریت و وظایف نیروی انتظامی را مشخص کرده است، مادهٔ ۴ این قانون یکی از وظایف نیروی انتظامی را پیشگیری از جرم می‌داند و اخیراً در لایحهٔ پیشگیری از جرم در مجلس شورای اسلامی، که به نقش پلیس در پیشگیری وضعی با عنوان پیشگیری انتظامی اشاره کرده است، طبق قانون، پلیس می‌تواند در کلیهٔ حوزه‌های پیشگیری، اعم از وضعی، اجتماعی و قضایی نقش‌آفرینی نماید. بدیهی است تجربیات و

قابلیت‌های پلیس برای کلیه موارد پیشگیری سودمند است و باید به آن توجه شود. از ابتدای سال ۸۵ در تحقق همین هدف با تشکیل پلیس پیشگیری، جایگاه پیشگیری در مأموریت‌های ناجا ارتقا یافته است (رجب‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۲۴).

لازمه پیشگیری از جرم، همکاری و هماهنگی میان سازمان‌ها و نهادهایی است که شاید هیچ‌سختی از نظر ساختار، سازمان، فرهنگ سازمانی، ترکیب کارکنان و اهداف سازمانی، با یکدیگر نداشته باشند. متأسفانه فرهنگ کارهای گروهی، بسیار ضعیف است و در بحث پیشگیری از جرم که مستلزم همکاری نهادهای گوناگون است این ضعف و مشکل بیشتر خود را نشان می‌دهد (فرجیها، ۱۳۸۶: ۲۴۰).

پلیس از چند سال پیش تا کنون، رویکرد مردمی خود را افزایش داده و براساس مطالعات کارشناسی به این نتیجه رسیده است که با مشارکت مردمی وظایف خود را بهتر می‌تواند انجام بدهد؛ به هر صورت نیروهای پلیسی و امکانات آن محدود است، بدیهی است که حضور پلیس در هر محل و خیابانی نه معقول و نه امکان‌پذیر است. مشارکت مردم ضریب امنیت را افزایش و هزینه‌ها را کاهش می‌دهد و منجر به کاهش بزهکاری می‌گردد. البته در همه موارد واگذاری اختیارات پلیس به مردم امکان‌پذیر نیست، اما یکی از مواردی که به‌طور گسترده این قابلیت را دارد، مقوله پیشگیری از جرم است. اخیراً تغییرات ساختاری در نیروی انتظامی پدید آمده است، آن هم تأسیس پلیس پیشگیری است که وظیفه آنان آموزش همگانی در مدارس، مساجد، هیئت‌مدیره، مجتمع‌های مسکونی و نظایر آنها در خصوص پیشگیری از جرم است. توصیه‌ها و هشدارهای ایمنی، از طریق آموزش‌های حضوری، توزیع بروشور و نظایر آنها از اهم فعالیت این واحدهاست (رجب‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۴۰).

هرچه میزان امنیت جامعه بیشتر باشد و میزان خشنودی مردم از عملکرد پلیس بیشتر باشد، انگیزه و تمایل بیشتری در مشارکت مردم و نهادهای غیردولتی برای پیشگیری از جرم مشاهده می‌شود؛ این امر در بحث پیشگیری از جرم برای ما بسیار حائز اهمیت است. به نظر می‌رسد برخی از مأموریت‌ها و برنامه‌های پلیس، این نهاد

را در اصطکاک دائمی با جامعه قرار داده است و گاهی سبب می‌شود که پلیس نتواند از حمایت‌های اجتماعی برای تأمین نظم و امنیت بهره بگیرد.

در ادبیات علوم پلیسی از جمله موضوعات اساسی چگونگی نظارت بر عملکرد مأموران و رده‌های پائین پلیس است، زیرا مجریان اصلی قانون و بخشی که بیش‌ترین تماس را با مردم دارند، به تعبیر غربی‌ها مأموران خیابانی هستند و متأسفانه در برخی از کشورها به‌ویژه در ایران بخشی از این نیروها را سربازان وظیفه و نیروهای موقتی در رده‌های پائین پلیس تشکیل می‌دهند که از آموزش‌ها و مهارت‌های لازم برای برقراری ارتباط با طبقات گوناگون مردم برخوردار نیستند و کمتر خود را متعلق به این لباس یا حرفه پلیس می‌دانند (فرجیها، ۱۳۸۶: ۲۴۳).

حال، می‌توان گفت که نیروی انتظامی نقشی بسیار مهم در پیشگیری دارد، که شامل موارد زیر است:

- شناسایی اولیه مسائل و مشکلات مربوط به رشد و تکامل خاص هر کودک؛
- گسترش روابط با نهادها و سازمان‌های غیردولتی؛
- در ارتباط قرار دادن خانواده‌ها با خدمات اجتماعی یا سازمان‌های غیردولتی که بتواند در مشکلات به آنان کمک نماید؛
- هماهنگی با مددکاران اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی؛
- گسترش و توسعه پلیس جامعه محور
- خشونت‌زدایی از کودکان و زنان در داخل خانواده، به شکل جدی، زیرا این امر دلیل کلیدی فرار کودکان از خانه و زندگی در خیابان است؛
- مشاوره با جوامع و خانواده‌ها، در زمینه پیشگیری از خشونت و سوءاستفاده، مسئولیت والدین و حقوق کودکان.

پیشگیری از بزهکاری اطفال در ایران

توجه به امر آموزش و پرورش و تکیه بر اصلاح و تربیت در نحوه برخورد با اطفال و نوجوانان معارض با قانون را باید از اصلی‌ترین ابزارهای تعیین‌کننده در سیاست جنایی هر کشور تلقی کرد که در پیشگیری از وقوع جرم یا تکرار آن بسیار مؤثر

است، زیرا اغلب کسانی که امروزه به یک مجرم حرفه‌ای تبدیل شده‌اند، کسانی هستند که در کودکی بزه کوچکی مرتکب شده‌اند، ولی به دلیل نامناسب بودن پاسخ جامعه نه فقط هرگز به اجتماع بازنگشته‌اند، بلکه پس از تحمل کیفر، خود را دشمن افراد موفق و شرافتمند دانسته‌اند.

امروزه تربیت اطفال بزهکار به جای مجازات کردن آنان اهمیتی ویژه پیدا کرده است، به ویژه با تدوین پیمان نامه حقوق ۱۹۸۹ میلادی بسیاری از نظام‌های قضایی، تربیت را جانشین مجازات کرده‌اند و این حرکت در کشور ایران نیز آغاز شده است که نشان دهنده اعتقاد قضات به این امر است که بزه ارتكابی توسط هر طفل لزوماً به معنای ضعف شخصیت یا خصلت خطرناک وی نیست (خواجه نوری، ۱۳۸۶: ۱۱۴).

مرکز پیشگیری از جرایم سازمان ملل متحد برای اجتناب از عواقب خطرناک مجازات زندان احکامی را پیشنهاد کرده است که نمونه آن در آرای جدید قضات ایرانی مشاهده می‌شود که این امر چه‌بسا به امر پیشگیری کمک و افری داشته باشد، همچون:

قاضی می‌تواند به تناسب شدت اعمال ارتكابی، حکم به تدابیر آموزشی با توجه شخصیت فرد، صادر کند، قاضی می‌تواند رأی به آزادی متهم همراه با گذراندن دوره خاص مراقبتی یا دوره مراقبت نیمه بازداشتی بدهد؛ یا استفاده از خدمات اجتماعی عام‌المنفعه از جمله برنامه و تدابیری مهم جهت پیشگیری از جرم (پیشگیری ثانویه) به همت مقام قضایی به حساب می‌آید.

موضوع دیگر، توجه به رفتار سازمانی پلیس است که چه‌بسا یکی از برنامه‌های پیشگیری از جرم محسوب شود. یکی از برنامه‌هایی که در جهت پیشگیری از جرم باید به آن توجه شود، اصلاح دیدگاه مردم در برابر پلیس است، مردم، وقتی پلیس را مشاهده می‌کنند باید احساس امنیت کنند نه اینکه از پلیس وحشت داشته باشند. کسانی که قصد بزهکاری دارند، باید از پلیس ترس و وحشت داشته باشند نه عموم مردم. در این زمینه در جهت اصلاح رفتار پلیس با مردم، تلاش‌های فراوانی انجام

شده و به آموزش‌های لازم تأکید شده است. وقتی مردم به پلیس اعتماد کنند اطلاعاتی که دربارهٔ بزهکاران دارند، در اختیار پلیس قرار می‌دهند. سپس بزهکاران شناسایی و دستگیر می‌شوند و از گسترش بزهکاری جلوگیری می‌شود. در دسترس بودن پلیس در محلات هم از عوامل مهم و مؤثر در کاهش بزهکاری و پیشگیری از جرم است (رجب‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۴۰).

بدیهی است بهترین برنامه‌های پیشگیری از جرم مستلزم تعامل نزدیک پلیس با اجتماع و نهادهای ملی است؛ وقتی اجرای آن را به این افراد واگذار کنید، ممکن است این برنامه‌ها به چند پیشگیری تبدیل و خود، موجب تولید سوء استفاده و ناامنی شود؛ مرز میان اقدامات پیشگیری از جرم و مدافع در حقوق و آزادی‌هایی عمومی مرز بسیار باریکی است و از عهده سربازان وظیفه و نیروهای موقتی و رده‌های پایین پلیس بر نمی‌آید. پس بحث نیروی انسانی پیشگیری از جرم و بودجه و منابع مالی پیشگیری از جمله موضوعات مهم در مدیریت پیشگیری از جرم است (فرجیها، ۱۳۸۶: ۲۴۴).

پیش‌نویس برنامه ملی پیشگیری از جرم بر آموزش دست‌اندرکاران پیشگیری از جرم در ایران، از جمله پلیس، برای کارآیی بیشتر و مراعات موازین حقوق بشری اصرار ورزیده‌اند، به این ترتیب در زمینه تعامل پلیس با شهروندان در خصوص پیشگیری از جرم باید گفت، پژوهش‌ها نشان داده است که فقط یک چهارم جرم‌ها به همت پلیس کشف می‌شود و بقیه بر اثر تعامل پلیس با شهروندان شناسایی می‌شوند، پس تعامل پلیس و شهروندان در این زمینه در جلب اعتماد شهروندان به همت پلیس، ریشه دارد (نیازپور، ۱۳۸۶: ۲۴۶).

با توجه به فرهنگ حاکم بر دستگاه قضایی و سازمان پلیس که عموماً تحت تأثیر رویکردهای واکنشی و ارباب‌انگیز قرار می‌گیرد، مدیریت و اجرای برنامه‌های پیشگیری از جرم باید به‌گونه‌ای باشد که منجر به تضييع حقوق و آزادی‌های عمومی و در نتیجه به بهانه تأمین امنیت، آزادی‌های مردم قربانی نشود.

سازوکارهای جلب مشارکت واقعی و فعال مردم در زمینه پیشگیری از جرم، مهم است. مدیریت پیشگیری از جرم باید مردم و اعضای اجتماعات محلی را در تعیین اولویت‌های پیشگیری و تدوین برنامه‌های پیشگیری و سپس در اجرای آن مشارکت دهند. مشارکت مردم فقط در مرحله اجرا نیست، بلکه مناسب‌ترین افراد برای تعیین اولویت‌های پیشگیری و اینکه در هر یک از این حوزه‌ها چه کارهایی می‌توان انجام داد، خود مردم و ساکنان آن منطقه هستند؛ بنابراین تعامل پلیس و مردم باید رابطه‌ای دو سویه باشد و از ظرفیت‌های موجود در اجتماع به‌گونه‌ی ابزاری استفاده نشود.

همچنین در زمان حاضر نظام اطلاعات و آمار جنایی در کشور قابلیت‌های علمی لازم را برای به‌کارگیری در زمینه پیشگیری از جرم، ندارد و باید از تکنیک‌های جدید برای دستیابی به میزان واقعی جرایم استفاده شود با آمارهای موجود نه اولویت‌های پیشگیری تغییرپذیرند و نه آثار و پیامدهای اجرای برنامه‌های پیشگیری را می‌توان به‌طور دقیق اندازه‌گیری کرد.

پیشگیری انتظامی از جرایم کودکان و نوجوانان

مهم‌ترین مسئله سیاست پیشگیری، کاهش عوامل خطر و افزایش عوامل حمایتی است، تحولات اجتماعی فرایندهای فوق‌العاده پیچیده‌ای دارند، که نیاز به برنامه‌ریزی و اجرای دقیق، تشکیلات منسجم، تخصص حرفه‌ای و فراهم بودن برنامه‌های مؤثر مداخله دارد. گام‌ها و مراحل لازم برای موفقیت این رویکرد، به قرار زیر است:

۱- مشخص کردن منطقه یا حوزه پیشگیری: بهترین کار این است که منطقه‌ای را انتخاب کنیم که زیرساخت مناسب خدماتی و سازمانی داشته باشد؛ توصیه می‌شود که برای اجرای برنامه‌های پیشگیری منطقه‌ای، از گروه‌های پیشگیری محلی استفاده شود.

۲- بسیج کردن مدیران و مسئولان: یک گروه هدایت‌کننده محلی مرکب از افرادی است که در مدیریت منطقه و یا محله نقش داشته باشد و مدیریت خدمات بر

عهده آنان باشد، باید تشکیل شود. این افراد شامل رئیس پلیس، اعضای شورای شهر، مدیر سازمان بهداشت و مدیران بهزیستی محلی هستند.

۳- تشکیل گروه پیشگیری: کار اصلی این گروه این است که باید کلیه امکانات و سازمان‌هایی که برای کودکان و نوجوانان فعالیت می‌کنند، شناسایی نماید. سازمان‌های خدمات بهداشتی، بهزیستی، آموزشی، پلیس و سازمان‌های حمایت از کودکان باید در هر صورت در این گروه نماینده داشته باشند.

۴- تجزیه و تحلیل عوامل خطرساز: شامل تهیه فهرستی از عوامل خطرساز و عوامل حمایتی موجود در منطقه یا حوزه پیشگیری است که این مسئله به پلیس کمک می‌کند تا به یک دیدگاه عینی درباره مشکلات محلی بینجامد.

۵- تعیین اولویت‌ها و اهداف: پس از نتایج تجزیه و تحلیل عوامل خطرساز باید برنامه پیشگیری که حاوی اهداف کوتاه و بلندمدت است، تعیین شوند. کاهش جرایم نوجوانان - کاهش عوامل خطرساز و تقویت عوامل حمایتی جزو این اهداف است که با توجه به موارد فوق می‌توان با دست داشتن این مراحل پیشگیری انتظامی را مد نظر قرار داد (ونتیر، ۱۳۷۸: ۶۳).

به‌طور کلی این برنامه‌ها چه‌بسا سه هدف را پی‌گیری کند، برخی از آنها تحریک و افزایش رشد شناختی کودکان است تا بتوانند از پس کارهای مدرسه خود برآیند و مدرسه‌گریزی و ترک تحصیل نکنند یا این امر کاهش یابد، برخی دیگر در پی ارتقای رشد عاطفی و هنجاری کودک به جهت افزایش توان و ظرفیت اجتماعی آنان در به‌دست آوردن تعامل و رفتار مثبت اجتماعی است؛ در نهایت هدف دسته سوم از برنامه‌ها آموزش مهارت‌های بیشتر به والدین است تا آنان بتوانند در تربیت فرزندان خود موفقیت بیشتری کسب کنند. همچنین توجه به نکات زیر می‌تواند در برنامه‌های پیشگیری انتظامی مؤثر باشد:

- توجه به ویژگی‌های خاص روحی و روانی کودکان توسط پلیس؛
- توجه به جامعه جوان و ویژگی‌های آن؛

- تجزیه و تحلیل آماری جرایم کودکان، به این معنا که کودکان چه نوع جرم‌هایی و به چه میزان مرتکب می‌شوند؛
- ریشه‌یابی علل بزهکاری کودکان؛
- تهیه راه‌های پیشگیری از بزهکاری کودکان؛
- اولویت داشتن مسائل کودکان بر دیگر مسائل؛
- ایجاد راه‌های تعامل و رابطه و اعتماد بین پلیس و کودکان؛
- رسیدگی به جرایم کودکان به همت پلیس نوجوان پس از دیدن آموزش‌های لازم؛
- حضور مستمر پلیس در مناطق جرم‌خیز با نگاه پیشگیری از وقوع جرم و بزه؛
- توجه به نقش عوامل مؤثری همچون خانواده- مدرسه و غیره در بزهکاری؛
- تلاش جهت قضاودایی کودکان بزهکار و حل مشکلات آنان حتی‌الامکان از طریق مددکاری؛
- استفاده از خود کودکان و نوجوانان برای پیشگیری و کنترل بزهکاری؛
- حضور پلیس در خیابان‌ها و راهنمایی و هدایت کودکان؛
- بیان هشدارهای لازم به کودکان و والدین آنان؛
- انتشار جزوات آموزشی با همکاری، آموزش و پرورش (رهنمودهای ریاضی- مصوب ۱۹۹۰)

نتیجه‌گیری

نخستین موضوعی که باید قبل از هر چیز به آن پرداخت، بحث پیشگیری است. در واقع پیشگیری از جرم و شرایطی که منجر به ارتکاب جرم می‌شود، وظیفه و مسئولیت همهٔ ماست. در عین حال وظیفه و مسئولیت پلیس، مددکاران اجتماعی، مرکز خدمات اجتماعی و دیگر نهادهاست. حضورگشت‌های منظم در مکان‌های گوناگون حضور به موقع چه‌بسا از جرایم فرصت‌طلبانه‌ای که کودکان انجام می‌دهند،

پیشگیری کند. پلیس باید در درون جامعه حاضر و محسوس باشد، متأسفانه بسیاری از افسران پلیس تصور می‌کنند که مردم باید به سراغ ایشان بیایند، ارتباط مناسب پلیس با مدارس بسیار حائز اهمیت است. بعد از خانواده، مدرسه مهم‌ترین نهاد در زمینه پیشگیری از وقوع جرم است. ارتباط بین پلیس و مددکار اجتماعی یا گروه‌های اجتماعی و سازمان‌های غیردولتی نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است. شناسایی افراد در معرض خطر و آسیب به همت پلیس حائز اهمیت است و اینکه بتوانند با او به نحوی برخورد نمایند که احتمال وقوع جرم آنان از بین برود. در چنین حالتی است که میزان بزه به شدت کاهش می‌یابد.

نکته بسیار مهم در پیشگیری انتظامی چه‌بسا پرورش پلیس متخصص باشد که ملاحظه می‌شود لایحه رسیدگی به جرایم اطفال در ماده ۵۳ ضرورت پلیس اطفال را قانون‌گذار لحاظ کرده است و اینکه آنان مهارت‌های بسیار تخصصی و مطلوبی را در زمینه نحوه برخورد کودکان می‌بینند و این مهارت‌ها را به دیگر نهادهای حمایتی نیز آموزش می‌دهند. آمارها نشان می‌دهد که درصد بیشتر جرایم کودکان را می‌توان قضازدایی کرد و این مطلب نیز در لایحه رسیدگی به جرایم اطفال از دید قانون‌گذار مخفی نمانده است و در این راه باید خانواده، پلیس، مدرسه و سازمان‌های غیردولتی و دیگر نهادها همکاری نمایند.

پیشنهادها

سازوکارهای زیر برای پیشگیری انتظامی از جرایم کودکان و نوجوانان معارض با قانون مفید است:

- طرح همکاری مددکاران اجتماعی و پلیس شامل همکاری بین مؤسسات دولتی و خصوصی و دست‌اندرکاران عدالت و امنیت اجتماعی، بهداشت عمومی، سلامت روان و مؤسسات خدمات اجتماعی؛
- برنامه میانجیگری و نشست‌های چهره به چهره به‌منظور جلوگیری از تعقیب کیفری کودکان و نوجوانان معارض با قانون و نزدن برچسب به این دسته از بزهکاران؛

- ایجاد مراکز مشاوره روان‌شناسی و مداخله در بحران عاطفی؛
- آشنایی کامل پلیس با خصوصیات و ویژگی‌های گروه‌های سنی کودکان معارض با قانون؛
- تشکیل پرونده شخصیت برای اطفال معارض با قانون و تأسیس نهاد خاص جهت رسیدگی به این مهم؛
- اتخاذ پیشگیری اجتماعی رشد مدار در برابر کسانی که به دلیل وضعیت‌های خاص می‌توانند جلوی ارتکاب جرم کودکان و نوجوان را بگیرند.
- اتخاذ سیاست‌های لازم برای توسعه و گسترش فرهنگ پیشگیری از وقوع جرم و ایجاد زمینه‌های مناسب برای مشارکت سازمان‌های غیردولتی و مردمی در این زمینه؛
- قضا زدایی از جرایم کوچک کودکان و نوجوانان معارض با قانون به همت پلیس متخصص و ویژه. تصویب لایحه پیشگیری از جرم و تأسیس توده‌های پیشگیری از بزهکاری و غنی و کارا تر شدن سیاست جنگی ایران در قبال این پدیده.

منابع فارسی:

- اقلیما، مصطفی (۱۳۸۲). پلیس و مددکار اجتماعی، آرامش فصلنامه علمی، آموزشی، مشاوره و مددکاری ناجا، شماره ۷ و ۸.
- الیاسی، راحله (۱۳۸۶). بایسته‌های دادرسی اطفال با تأکید بر جایگاه پلیس، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره چهارم، دانشگاه علوم انتظامی.
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۸۲). گفتمان سیاست جنایی در لایحه قضایی تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، مجله حقوقی دادگستری شماره ۴۵.

- فرجیهها، محمد (۱۳۸۶). ساختار و سازمان پیشگیری از جرم، فصلنامه مطالعه پیشگیری از جرم، شماره ۴.
- دلماس مارتی، مری (۱۳۸۱). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، نشر میزان، چاپ اول.
- رجب‌زاده، عزیزالله (۱۳۸۶). ساختار و سازمان پیشگیری از جرم، فصلنامه مطالعه پیشگیری از جرم، شماره ۴.
- کشفی، سید سعید و علی اصانلو (۱۳۹۰). نقش مددکاران اجتماعی در پیشگیری از بزهکاران اطفال و نوجوانان، دو فصلنامه پلیس زن، سال پنجم، شماره ۱۴.
- گزارش‌های کارگاه‌های آموزشی، دادرسی ویژه نوجوانان، یونیسف سال‌های ۷۸-۷۹-۸۰، ۸۱ شمسی لایحه پیشگیری از جرم، لایحه رسیدگی به جرایم اطفال.
- ملک زاده، امیر و حمید هاشمی (۱۳۹۰). بررسی ضرورت تشکیل و تکالیف پلیس زن ویژه اطفال و نوجوانان، دو فصلنامه پلیس زن، سال پنجم، شماره ۱.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۱). تقریرات جرم‌شناسی (دوره کارشناسی ارشد مجتمع آموزش عالی قم).
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹). تقریرات جرم‌شناسی نظری (دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس).
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۰). از حقوق کیفری تا حقوق کیفری صغار، انتشارات مجد، چاپ اول.
- نجفی توانا، علی (۱۳۸۲). نابهنجاری در بزهکاری اطفال، انتشارات تربیت.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۲). پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری شماره ۴۵.
- ونتیر، رناته (۱۳۸۱). کارگاه‌های آموزش درسی، ویژه کودکان و نوجوانان، تهران.